

تفسیر «الغفور الرحیم» و تحلیل غرض هدایتی آنها

محمدحسن سراج صادقی*

علی اکبر بابایی**

چکیده

پایان بخش ۷۱ آیه قرآن کریم با دو اسم «غفور» و «رحیم» است. این مقاله پس از معناشناسی این دو واژه و بررسی آیات حاوی آن و با در نظر گرفتن ترتیب نزول سوره‌ها و توسیع معنایی در واژه ذنب به این نتیجه دست می‌یابد که ترتیب «الغفور الرحیم» دارای غرض هدایتی مشترک در این آیات است و آن «رفع نگرانی از آثار گناهان» می‌باشد. اما در آیه دوم سوره سبأ، تنها آیه‌ای که این اسما به ترتیب «الرحیم الغفور» آمده است، دارای غرض هدایتی دیگری است که آن رحمت الهی در پوشاندن برخی چیزها با وارد کردن آنها در خاک یا خارج نمودن از جو می‌باشد. بررسی عملکرد تفاسیر در باره این بحث بیانگر آن است که هیچ تفسیری به بررسی غرض هدایتی مشترک و تفاوت این دو دسته آیات نپرداخته است.

واژگان کلیدی

اسماء متوالیه الهی، ترکیب اسمائی، الغفور الرحیم، الرحیم الغفور، گناه.

*. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.

serajsadeghy_2007@yahoo.com

ababayi@rihu.as.ir

** استادیار گروه قرآن و حدیث پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۰

طرح مسئله

درج اسما متوالیه الهی در آخر برخی آیات با محتوای آیات و معنای لغوی این اسما تناسب دارد، در غیر این صورت، به معنای ترجیح بلا مرجح بوده، قطعاً از خداوند حکیم محال است. به عبارت ساده تر، درج عبارتی چون «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در انتهای برخی آیات کاملاً با محتوای آیه قبل از این عبارت و در مواردی بعد از آن، تناسب دارد. این سخن تا بدین حد، حرف تازه‌ای نیست، چراکه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به آن اشاره کرده است:

روش قرآن کریم این است که در آخر هر آیه از اسما و صفات خدای تعالی، آن صفتی را ذکر کند که متناسب با مطلب همان آیه باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۶۸)

مطلب درخور توجه اینکه در این صورت، تمام آیاتی که ترکیب واحدی از اسمای متوالیه الهی در آنها درج شده یا بدانها ختم می‌شوند، باید غرض هدایتی مشترکی داشته باشند. در این مقاله به عنوان نمونه آیاتی که به ترکیب اسمائی «غفور رحیم» ختم می‌شود، بررسی و با تنها آیه‌ای که به ترکیب معکوس آن ختم می‌شود، مقایسه شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله همان روش تفسیری قرآن به قرآن است؛ از این رو، پس از کنار هم قرار دادن تمامی آیاتی که با چهار ترکیب «الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، «غَفُورٌ رَحِيمٌ»، «غَفُوراً رَحِيماً» و «لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، ختم می‌شود، در بخش «مفهوم‌شناسی» با استفاده از منابع معتبر لغوی، معنای این اسما با توجه به معنا یا معانی اصلی و کاربردهای گوناگون آنها بررسی می‌شود.

آنگاه در بخش «بررسی آیات» با توجه به معنای لغوی اسمای «غفور و رحیم»، در پی پاسخ به این پرسش برآییم که اولاً وجود چه عاملی در محتوای هر آیه سبب شده است خداوند بدان مناسبت این اسما را در آیه مزبور درج نماید؟ و ثانیاً چه موضوع مشترکی در محتوای آیات مزبور وجود دارد که با معنای این اسما تناسب دارد؟

در این آیات از امور مختلفی نامبرده شده که براساس اسم غفور می‌تواند به عنوان متعلق

مغفرت خداوند مطرح باشد؛ از خوردن گوشت مرده در حالت اضطرار - که گناه شمرده نمی‌شود - گرفته تا گناهان عظیمی چون شرک و زنا در این آیات و طیف بسیار متنوع و گسترده کسانی که مورد مغفرت قرار گرفته‌اند؛ از پیامبر اکرم ﷺ تا کسانی که سابقه در شرک داشته‌اند در این فهرست جای دارد. در اینجا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان وجه جامعی برای تمام این آیات در نظر گرفت؟

البته در این راه، در موارد بسیاری توجه به آیات قبل و بعد از آیه مزبور و مراجعه به تفاسیر مختلف و شأن نزول آیات ضروری است.

با به سخن در آوردن قرآن، در واقع محل ظهور این اسما و غرض هدایتی از بیان آنها روشن می‌شود. و بالاخره در بخش «بررسی تفاسیر» به بررسی عملکرد تفاسیر مختلف شیعه و سنی در تفسیر اسمای مزبور پرداخته می‌شود.

با کشف این تناسب و یا امر مشترک، پرسش‌های بسیاری پدید آمد که در جست‌وجو از ده‌ها تفسیر، مشخص شد که چنین پرسش‌هایی در محدودی از تفاسیر مطرح است که به سبب فقدان روش صحیح، نتیجه علمی درخوری حاصل نشد و به‌طور معمول شاهد اختلافات گسترده تفسیری و بیان احتمالات بسیار متنوعی در تفسیر آیه بودیم که با داشتن روش تفسیری قرآن به قرآن که تا حد بسیاری آن را وامدار علامه طباطبایی هستیم، می‌توانست حل گردد.

مفهوم‌شناسی

الف) الغفور

در کتاب *العین* می‌خوانیم که پوشش سر را «مغفر» (کسر میم، سکون غین، فتح فاء) یا «الغفارة» (به کسر غین) گویند. و همین لفظ اخیر برای پوششی است که روی روغن کشیده می‌شده است. نیز به کرم نوعی درخت «المغفور» گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۴۰۶) در *لسان العرب* نیز آمده است که *الغفور* و *الغفار* از نام‌های خداوند به معنای پوشاننده گناهان بندگان و گذشت‌کننده از اشتباهات آنان است. و مصدر آن «الغفران» است و برای هر چیزی

که پوشانده شود، از این واژه و هم خانواده‌های آن می‌توان استفاده کرد. از این رو، در این کتاب به موارد متعددی چون *الْغَفْرُ*، *اغْفَارٌ*، *اغْفِيْرَارٌ*، *غُفَارُهُ*، *الْغُفَارُ*، *الْغَفِيْرُ*، و ... از این دست اشاره می‌شود که گاه هریک کاربردهای متعددی دارند، اما همگی در معنای پوشش اشتراک دارند. سپس *لسان العرب* از امام علی علیه السلام این حدیث را نقل نموده است: *إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيْرَةً فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ فَلَا يَكُوْنَنَّ لَهُ فِتْنَةٌ*؛ اگر کسی از شما دید که برادرش خانواده یا مال فراوانی دارد، نباید برای او فتنه‌ای ایجاد کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۵) در این حدیث *غَفِيْرَةً* به معنی زیاد و فراوان است.

المفردات فی غریب القرآن مصدر «*الْغَفْرُ*» را به معنای پوشاندن هر چیزی از ناپاکی دانسته است و واژه‌های «*الْغُفْرَانُ*» و «*الْمَغْفِرَةُ*» از جانب خداوند به مصون داشتن بنده از تماس با دوزخ معنا شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹)

در *مجمع البحرین* نیز معنای اصلی *الغفران*، *التغطية* (پوشاندن) آمده است و مغفرت گناهان از سوی خداوند را به معنای پوشاندن آنها دانسته است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۲۶)

التهدیب هم افزون بر پوشاندن، اصلاح نمودن را نیز از معانی این واژه دانسته است. (الازهری، ۲۰۰۱: ۸ / ۱۰۶)

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز پس از نقل برخی اقوال مشابه، نویسنده در داوری بین آنها معتقد است که یگانه معنای اصلی ماده «غفر» از بین بردن اثر و بی‌اثر ساختن است، اما برخی معانی دیگر چون *الستر* (پوشاندن) و *الصفح* (در گذشتن) و *الإصلاح* و غیر اینها معانی دیگری‌اند که این واژه می‌تواند بر آنها دلالت درجه دوم داشته باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷ / ۲۴۰)

البته ناگفته نماند که بسیاری از اهل لغت - چنانچه نقل شد - اصل در این واژه را *ستر* (پوشاندن) دانسته‌اند. با این حال از بیان *التحقیق* این استدلال قابل پذیرش است که پوشیده شدن چیزی ضرورتاً موجب بی‌اثر شدن آن تا ابد نشده، بر تثبیت آن زیر یک پوشش دلالت دارد. از این رو، پوشیده شدن صرف گناهان بنده‌ای در اثر استغفاری حقیقی و آشکار شدن آن

در روز قیامت که یوم تبلی السرائر است، و عذاب و بی‌آبرویی او، برخلاف رحمت و حکمت خداوند است؛ چراکه آیات فراوانی چون «فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا» (اعراف / ۱۵۵) نشان می‌دهد که اگر معنای غفران گناهان صرفاً پوشاندن آنها باشد، برخلاف شمول رحمت و لطف خداوند بر بنده است. (همان)

ب) الرحیم

ابن منظور معتقد است که ماده «رحم» مترادف رقت و تعطف (مهربانی) است و درباره تفاوت دو اسم «الرحمن» و «الرحیم» می‌گوید اولی بر وزن فَعْلَانْ بوده، این وزن به معنای کثرت است. چراکه رحمت خداوند همه چیز را فراگرفته است و او أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ است. اما بیان الرَّحِيمُ بعد از الرَّحْمَن به این سبب است که فقط خداوند رحمن است. درحالی که به غیر خدا هم گاه رحیم گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۲ / ۲۳۰)

راغب اصفهانی نیز رحمت از سوی خداوند را به نعمت‌بخشی او معنا نموده و افزوده است: «رحمت رقتی است که اقتضای آن احسان به رحم شونده است و گفته شده که رحمت از سوی خداوند إنعام و إفضال است و از سوی انسان مهربانی. و گفته شده که خداوند رحمان در دنیا و رحیم در آخرت است. چراکه احسان او در دنیا شامل مؤمنین و کافرین می‌شود و در آخرت مختص مؤمنین است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۷)

در مجمع البحرین نیز، مطلبی مشابه آنچه از المفردات نقل شد، آمده است که نیازی به تکرار ندارد. (بنگرید به: طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۶۹)

مصطفوی هم مطالب بسیار مفیدی بیان نموده که بیانگر دقت علمی وی است. او از جمله تحت عنوان «و الفرق بین صیغة الرحمن و الرحیم» منشأ این تفاوت را اختلاف وزن آن دو می‌داند. چراکه فعیل بر پایداری و ثبوت دلالت دارد مانند اسم‌های الحمید، العزیز، الکریم، المجید و البصیر.

فعالان، هم در ماده و هم در معنا بر پر بودن، حرارت و وفور دلالت دارد. مانند الشبعان، ریان، عطشان، صدیان، جوعان، غضبان، غیران و لهفان. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴ / ۹۲)

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت اسم رحیم دلالت بر رحمتی پایدار و ثابت می‌کند، و چون مؤمنین برخلاف کافرین، مشمول رحمت‌هایی ویژه‌ای چون نعمت ولایت‌اند که با تمام شدن دنیا نیز از بین نمی‌روند و در قیامت نیز بهشت جاودان نصیب ایشان می‌شود، این رحمت ویژه آنان است.

بررسی آیات

درباره آیات مزبور می‌توان این پرسش را پرسید که در هر آیه چه کسانی مشمول مغفرت شده و چه چیزی مورد مغفرت قرار گرفته است؟ در پاسخ، با دقت در متن آیات (که البته گاه فهم برخی موارد نیاز به مراجعه به تفاسیر متعدد دارد) می‌توان به جدولی دست یافت که در یک ستون کسانی که مورد مغفرت قرار گرفته‌اند، تحت عنوان «افراد مورد مغفرت» و در ستون دیگر آنچه مورد مغفرت قرار گرفته است، تحت عنوان «امور مورد مغفرت»، در حد امکان به صورت اجمالی جای دارد.

همچنین جهت بررسی نقش ترتیب نزول و مکی یا مدنی بودن آیات، آیات مزبور به ترتیب نزول سوره‌ها به روایت ابن عباس مرتب شده‌اند (معرفت، ۱۳۷۸: ۹۰ - ۸۸) که این جدول به رسم مجله، به عنوان ضمیمه به مقاله پیوست شده است.

در بررسی آیات قرآن هفت آیه با «الْغُفُورُ الرَّحِيمُ»، ۴۲ آیه با «غُفُورٌ رَحِيمٌ»، پانزده آیه با «غُفُوراً رَحِيماً»، و هفت آیه نیز با عبارت «الْغُفُورُ رَحِيمٌ» ختم شده است. البته این گونه تفاوت - با توجه به تمامی موارد دیگر در قرآن کریم - به ویژگی‌های هر آیه باز می‌گردد و خللی در نتیجه حاصل از بررسی غرض مشترک آیات وارد نمی‌کند.

دسته‌بندی امور مورد مغفرت

با توجه به آنچه در این جدول آمده است، امور مورد مغفرت در آیات مربوطه را در سه گروه زیر می‌توان قرار داد:

۱. کفر، اعتقاد به تثلیث، شرک، جنگ با مسلمانان، ارتداد، نفاق: ۱۶ آیه؛

۲. حرام، یا مجاز شرعی: (دگرگون ساختن وصیت میت، ایلاء، زنا، قتل، اکل میت و ...، سرقت، صید در حالت احرام، فرار از جهاد، شرکت نکردن در جهاد، اتهام به زنا بدون آوردن چهار شاهد، سوگند خوردن به اینکه به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، زنا کردن کنیزان به اجبار مالکان آنها جهت کسب در آمد برای مالکان، صدا زدن پیامبر ﷺ از آن سوی حجره‌ها، صدقه ندادن قبل از نجوا با پیامبر ﷺ، کشتن فرزندان، و اینکه زن‌ها فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به دروغ به او نسبت ندهند، زن خود را مادر خود خواندن، فرزند خوانده را فرزند خود خواندن، احکام خاص ازدواج برای پیامبر ﷺ با کسانی که ازدواج با آنها برای دیگران گناه و زنا شمرده می‌شود، بی‌حجابی، بازگشتن حجاج از مسیر مشرکان، جنگ علیه کافران در ماه‌های حرام، حکم به محکومیت متهمی که در ظاهر تمام شواهد علیه اوست، صید ماهی در روز شنبه برای یهودیان): ۲۶ آیه؛
۳. ظلم، گناهان، کار بد، تصریح نشده (همه گناهان را شامل می‌شود ۱۰ آیه): ۲۹ آیه.

دسته‌بندی افراد مورد مغفرت

افراد مورد مغفرت در این آیات نیز در پنج دسته قرار می‌گیرند:

۱. عموم انسان‌ها، عموم مسلمین، عموم مؤمنین: ۳۱ آیه؛
۲. دسته خاصی از مردم یا مؤمنین: ۱۸ آیه؛
۳. کافران، مشرکان، منافقان، یهودیان، و مسیحیان یا گروه‌هایی خاص از ایشان: ۱۳ آیه؛
۴. دسته‌ای از گنهکاران: ۳ آیه؛
۵. پیامبران یا نزدیکان خاص ایشان: ۶ آیه.

بررسی و تدبیر در آیات

در تمامی ۷۱ آیه، ذنب و ستر آن از سوی خداوند مطرح است. البته در مواردی چون بیان حکم اکل میت که فرد در حالت اضطرار با اکل میت به شرایط خاص آن شرعاً گناهی انجام نداده است، به جهت مصالح تکوینی احکام شرعی، ممکن است آثار تکوینی اکل میت در شرایط

مشروع بر روح فرد و سیر تکاملی او موجب نگرانی شود که خداوند با مغفرت و پوشاندن و بی‌اثر ساختن این ذنب، به نظر رحمت خود به بنده می‌نگرد که خداوند غفور رحیم است. و اساساً ذنب در لغت نیز، به معنای کاری است که دنباله و پی‌آمد ناگوار و بدی داشته باشد، هرچند خود آن کار بد نباشد.

از این نکته چنین بر می‌آید که در این آیات، معنای عام ذنب و ذنوب مدنظر است. پس در مواردی هم که فرد مغفور پیامبر اکرم ﷺ، حضرت موسی ﷺ یا حضرت یوسف ﷺ باشد، منظور از غفران ذنوب می‌تواند پوشاندن و بی‌اثر ساختن پیامدهای بد احتمالی کارهایی باشد که اساساً کار بدی نبوده است.

اکثر گناهان مورد بحث در این آیات، گناهان بسیار سنگینی چون داشتن سابقه کفر، شرک، قتل، زنا، سرقت، جنگ با اسلام و رسول خدا ﷺ است.

نتایج بررسی آیات

در نتیجه تدبیر در آنچه گذشت و در آیات مزبور روشن می‌گردد:

الف) اینکه خداوند در شرایط خاصی چون توبه، اصلاح و جبران از چنین گناهان سنگینی چشم‌پوشی می‌کند، نشانگر شدت رحمت خداوند است.

ب) تکرار ترکیب اسمائی غفور رحیم که پس از ۱۱۴ بار تکرار ترکیب «الله الرحمن الرحیم» در مقام دوم قرار دارد، نشان می‌دهد که در عالم اسماء متوالیه الهی در قرآن کریم، پس از مسئله ظهور رحمت رحمانیه و رحیمیه، اولین نکته هدایتی تشویق به بازگشت مردمان از گناه و توبه به درگاه خداوند، با توجه به غفران و رحمت الهی است.

ج) همان‌گونه که بیان شد، محور بحث، ستر و بی‌اثر ساختن ذنب به معنای اعم آن است، پس این نکته پاسخ‌گوی این پرسش است که چرا در کنار گناهان بسیار سنگینی چون کفر و زنا، مواردی وجود دارد که اصلاً به معنای خاص خود گناه تلقی نمی‌شوند؟ مانند «حکم به محکومیت متهم بی‌گناهی که در ظاهر تمام شواهد علیه اوست» در مورد پیامبر اکرم ﷺ که به‌عنوان قاضی موظف است به ظواهر حکم کند. گرچه چنین حکمی موافق شرع است، این

نگرانی به وجود می آید که «آیا ستاندن حق از صاحب آن نمی تواند بر سیر تکامل فرد قاضی آثار تکوینی داشته باشد؟» که آیات مربوط به موضوع این نگرانی را رفع می نماید. در مواردی نیز، گاه سخن از مغفرت گناهان گذشته برخی مؤمنین و گاه ستر اثر اعمالی است که لااقل گناه بزرگی شمرده نمی شود.

پس با بیان فوق دلیل قرار گرفتن بیشتر گناهان بزرگ در برابر اموری که گناه شمرده نمی شود در فهرست متعلق غفور رحیم و قرار گرفتن بسیاری از افرادی که سابقه گناهان بزرگ دارند در کنار اقلیت مؤمن یا حتی پیامبران علیهم السلام روشن می گردد؛ زیرا آثار وضعی گناهان بر صاحبان آن قطعی است، اما اعمالی که ذاتاً گناه و کار بدی شمرده نمی شوند، به ندرت آثار بدی دارند.

د) شاید از نکته اخیر، بتوان تفسیر جدیدی از عبارت قرآنی «ان ربک واسع المغفره» ارائه داد که مغفرت خداوند دارای طیف وسیعی است که از بزرگ ترین گناهان تا اموری که اصلاً گناه شمرده نمی شوند را دربرمی گیرد.

ه) آیات مربوط به مغفرت گناهان به معنای خاص اعم از جرائم سنگینی چون کفر و شرک را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته نخست آیاتی اند که درباره کسانی که گرفتار چنین جرائمی بوده، هنوز مرتکب آن می شوند. مسلماً مغفرت و پوشش رحمت بر صاحبان آنها، مشروط به ترک، عدم تکرار گناهان مزبور و اصلاح مفاسد و مظالمی است که بر خویش یا دیگران روا داشته اند.

دسته دوم آیاتی است که شامل حال کسانی می شود که از گناه خاصی توبه کرده، راه اصلاح آن را در پیش گرفته اند. این غفران به معنای بخشیده شدن تمام گناهان ایشان نیست و باید در جهت آن تلاش کنند. مانند بی خردانی که از آن سوی حجره ها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را ندا می دهند.

افزون بر اینکه غفور و رحیم بودن خداوند ضمن تشویق گنهکاران به چنین بازگشتی، موجب رفع نگرانی ایشان از دچار شدن به عاقبت ناگوار به جهت سابقه چنین گناهی می گردد؛ چراکه در غیر این صورت، نگرانی مزبور مانع توبه گنهکاران خواهد شد. همچنین این هشدار به ایشان داده می شود که اگر در کفر و شرک و گناهان باقی بمانند، دچار عذاب شدیدی می شوند:

«نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ». (حجر / ۵۰ - ۴۹)

دسته سوم آیاتی‌اند که شامل آن دسته از مؤمنینی می‌شود که از عموم گناهان سابق خویش توبه کرده‌اند، غفور رحیم بودن خداوند درباره این افراد نیز موجب رفع نگرانی از سوء سابقه خویش و تشویق جهت ثبات قدم داشتن در راه حق است.

وجه جامع و هدف هدایتی در آیات غفور رحیم

وجه جامع و هدف هدایتی مشترک تمام این آیات، «رفع نگرانی از آثار ذنب» است که این معنا گاه در کنار اهداف هدایتی زیر آمده است:

۱. هشدار به عواقب باقی ماندن در گناه؛

۲. تشویق به توبه و ترک گناه؛

۳. تحسین ترک‌کنندگان گناه؛

۴. تشویق به ثبات در راه حق.

«رفع نگرانی از آثار ذنب» که به‌عنوان وجه جامع و هدف هدایتی مشترک در تمام آیات غفور رحیم وجود دارد، معنایی متناسب با معنای لغوی «غفور رحیم» است. خداوند نه‌تنها آثار ذنب را می‌پوشاند، بلکه آنها را محو ساخته، فرد را از رحمت خود بهره‌مند می‌سازد. (غفران ذنب و رحمت بر مغفور له) مغفرت و بی‌اثر ساختن آثار ذنب که متناسب با اسم الغفور است، مقدمه‌ای برای قرار گرفتن افراد در شمول رحمت واسعه خداوند است که با اسم الرحیم تناسب دارد. به‌طور خلاصه «رفع نگرانی از آثار ذنب» را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که هر یک به‌اختصار همراه با درج نمونه‌ای از آیات مربوط به آن بررسی می‌شود:

یک. رفع نگرانی از آثار گناهان

شرک به خداوند قطعاً یکی از بزرگ‌ترین گناهان است. در سوره توبه که در سال نهم هجری نازل شده است خداوند ضمن براءت از مشرکان، چهار ماه به ایشان مهلت داد تا به اسلام و ایمان روی آورند:

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ

وَاحْصُرُوهُمْ وَأَعُدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (توبه / ۵)

خداوند در آیه پنجم این سوره دستور قتل مشرکان و مبارزه شدید با آنان را صادر نموده اما در ادامه می‌افزاید که اگر آنان توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، آنها را رها کنید؛ زیرا خداوند غفور رحیم است. پس متعلق مغفرت در این آیه شرک سابق مشرکان است. ممکن است این سؤال مطرح شود که خداوند در سوره نساء فرموده است که تمام گناهان را به جز شرک می‌بخشد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا.» (نساء / ۴۸) و این برخلاف آیه ۵ سوره توبه است.

در پاسخ باید گفت، اتفاقاً این آیات مفسر و مکمل یکدیگراند. یعنی خداوند مشرک را مورد مغفرت قرار نمی‌دهد، مگر آنکه توبه نموده، اصلاح شود؛ به عبارتی دیگر کسی که مشرک از دنیا رود، شرکش بخشوده نمی‌شود. اگر خداوند مشرکان را در هر شرایطی از مغفرت شرک سابقشان نومید می‌کرد، شاید اسلام نمی‌آوردند. در همان ابتدای بعثت نیز بسیاری از مؤمنین نخستین، که سابقاً در شرک و بت‌پرستی بودند، هدایت‌یافته و مورد استقبال اسلام قرار گرفتند و حتی برخی در راه اسلام شهید شدند.

پس فرد مشرکی که مورد دعوت اسلام است، شاید نگران عدم مغفرت و عدم دستیابی به رحمت دایم خداوند (رحمت رحیمیه) و قطعی بودن عذاب اخروی بر خویش باشد و از این رو، از ایمان آوردن منصرف شود. پس خداوند با بیان غفور و رحیم بودن خود، به او اطمینان می‌دهد که در صورت توبه و اظهار آثار ایمان، به مناسبت اسم الغفور، سابقه شرک او را بی‌اثر می‌سازد^۱ و این مقدمه‌ای می‌شود برای آنکه خداوند به مناسبت اسم الرحیم در دنیا و آخرت او را مورد رحمت دائم و ثابت خویش قرار داده، از اهل بهشت گرداند.

دو. رفع نگرانی از آثار عمل به موارد استثنا از حکم حرام شرعی

رفع نگرانی از عمل به موارد استثنا از حرام شرعی از جمله:

۱. چنانچه نقل شد مغفرت در لغت به معنای محو اثر است.

- اکل میته در شرایط اضطرار در آیه ۱۷۳ سوره بقره؛

- تغییر دادن وصیت در صورتی که غیر عادلانه یا وصیت به انجام گناه باشد

در آیات:

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

(بقره / ۱۸۱)

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

رَحِيمٌ. (بقره / ۱۸۲)

خداوند در آیات فوق پس از گناه شمردن تغییر دادن وصیت میت مواردی را از آن استثنا

کرده که عبارت‌اند از:

۱. اگر وصیت به مقداری بیش از ثلث مجموع مال باشد؛ چراکه در روایات متعددی از

پیامبر ﷺ و ائمه اهل‌بیت نقل شده که وصیت تا ثلث مال مجاز است و زائد بر آن ممنوع

می‌باشد.

۲. هنگامی که وصیت به ظلم، گناه و ارتکاب کار خلاف باشد؛ مثل وصیت به توسعه

مراکز فساد یا وصیتی که موجب ترک واجبی شود.

۳. وصیتی که اجرایش موجب نزاع، فساد و خونریزی گردد؛ چنین وصیتی باید زیر نظر

حاکم شرع اصلاح شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۱۷)

در چنین شرایطی وصی پس از اصلاح وصیت میت ممکن است دچار نگرانی محرومیت

از رحمت دائمی الهی به واسطه خیانت در امانت شود؛ از این رو، قرآن با بیان عبارت «فَلَا إِثْمَ

عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» این نگرانی را رفع می‌کند. یعنی این کار گناه نیست پس خداوند به

مناسبت اسم غفور خود آثار بد احتمالی تخلف از وصیت را از بین می‌برد، تا از این جهت

مانعی برای برخورداری از رحمت رحیمیه الهی وجود نداشته باشد.

سه. رفع نگرانی از عواقب ناگوار برخی از اعمال

رفع نگرانی از آثار اعمالی که ذاتاً بد و گناه نبوده، استثنا از حرام نیز نیستند. اما می‌توانند

عواقب و پیامدهای ناگواری برای صاحب آن به دنبال داشته باشند. مانند حکم قاضی (معصوم یا غیر معصوم) به محکومیت متهم بی‌گناهی که تمام شواهد و قرائن ظاهری علیه اوست. چنانکه در سوره نساء می‌خوانیم:

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ
لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا. (نساء / ۱۰۵)
وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. (نساء / ۱۰۶)

در شأن نزول این آیه آمده است:

زرهی از یکی از انصار در یکی از جنگ‌ها به سرقت رفت، آنها به یک نفر مظنون شدند، سارق هنگامی که متوجه خطر شد، زره را به خانه یک نفر یهودی انداخت و از قبیله خود خواست که نزد پیامبر ﷺ گواهی به پاکی او بدهند و وجود زره را در خانه یهودی دلیل بر برائت او بگیرند. پیامبر ﷺ که چنین دید، طبق ظاهر او را تبرئه فرمود. مرد یهودی محکوم شد، آیات فوق نازل گشت و حقیقت را روشن ساخت. (همان: ۴ / ۱۱۱)

قاضی در اسلام موظف است طبق شواهد ظاهری حکم صادر کند، از این‌رو، ممکن است نگران اثرات سوء اخروی احکامی باشد که خلاف حقیقت بوده، حقی را از صاحب حق ستانده یا ناخواسته به کسی ظلمی روا داشته باشد. خداوند نیز، با آوردن دو اسم غفور رحیم این نگرانی را بر طرف می‌کند.

بررسی ترتیب نزول آیات غفور رحیم، تفاوت خاصی در افراد و امور مورد مغفرت و بالطبع، در نتایج فوق پدید نمی‌آورد. غیر از آنکه به جهت دو برابر بودن تعداد آیات مدنی‌ای که این دو نام در آنها درج شده‌اند شاید بتوان گفت، نیاز مردم به تذکر به این دو اسم بعد از هجرت دو برابر شده است.

تأیید دیگری بر آنچه بیان شد، این است که در آیه دوم سوره سبأ که تنها موردی است که ترکیب اسمائی «رحیم غفور» به کار گرفته شده است، برخلاف تمام ۶۴ آیه غفور رحیم، سخن از گناه یا «رفع نگرانی از آثار ذنب» نیست:

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ. (سبأ / ۲)

هر چه را که در زمین فرو شود و هر چه را که از زمین بیرون آید و هر چه را که از آسمان فرود آید و هر چه را که بر آسمان بالا رود، می‌داند. و او مهربان و آمرزنده است.

دقت در معنای این آیه می‌رساند آنچه بنا بر معنای مغفرت، مورد ستر و پوشش قرار می‌گیرد، گناه یا هر کاری که پیامد بدی برای انسان‌ها داشته باشد نیست. بلکه اموری که در زمین فرود می‌رود، مانند آب‌هایی که در زمین فرو می‌روند، و اموری که به آسمان عروج می‌یابند از دیدگان مردم پوشیده می‌شوند.

ظاهر این آیه به اسراری از خلقت طبیعی جهان اشاره دارد. اگر زمین چندان سخت می‌بود که نه چیزی در آن فرو می‌رفت، و نه چیزی از آن خارج می‌شد، و آسمان چنان سخت و نفوذناپذیر می‌بود که خورشید از آن گذر نمی‌کرد، نه چیزی از آن خارج و نه چیزی در آن داخل می‌شد، حیات در معرض تهدید و اساساً زندگی بر روی زمین ناممکن می‌شد.

پس این از نشانه‌های رحمت خداوند رحیم است که جهان را این‌گونه آفریده است و تنها اوست که از انواع، مقدار و چگونگی اموری که به زمین وارد یا از آن خارج می‌شود آگاهی داشته، بسیاری از این امور بر انسان پوشیده است؛ و اتفاقاً حیات انسان و سایر موجودات زنده بستگی به همین اموری دارد که خداوند آن را پوشانده است. پس رحمت خداوند موجب پوشش آنها شده است: «وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ» و به همین سبب «الرحیم» بر «الغفور» مقدم شده است.

نکته دیگر این که معنای رحمت در این آیه رحمت رحمانیه است که شامل مؤمن و غیرمؤمن می‌گردد، درحالی‌که رحمتی که در آیات غفور رحیم از آن یاد شد رحمت رحیمیه بوده، ویژه مؤمنین است. (یادآوری: گرچه در آیات غفور رحیم از گناهان بزرگی چون کفر و غیره نام برده شد، این ستر و رحمت الهی در صورت توبه و ایمان، و اصلاح، شامل حال گنهکاران سابق می‌شود.)

سؤالی که ممکن است در این زمینه پیش آید این است که چرا در این آیه به جای الرحیم الغفور، الرحمن الغفور نیامده است؟ در پاسخ شاید بتوان گفت، از آنجا که هدف از خلقت انسان‌ها ایمان و معرفت ایشان به خداوند است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، اگر قرار بود هیچ انسان مؤمنی در جهان به وجود نیاید، خداوند این رحمت‌های عمومی و تکوینی را صرفاً برای زندگی کافران و گناه‌پیشگان نمی‌آفرید؛ به عبارت دیگر، آفرینش رحمت‌ها و نعمت‌های تکوینی خداند به جهت وجود پیامبران و معصومین علیهم‌السلام و مؤمنان است. به همین سبب، به جای اسم الرحمن از اسم الرحیم استفاده شده است. (والله اعلم)

شبهه احتمالی دیگر این است که درخصوص آیه دوم سوره سبأ، شاید منظور خداوند از عبارت «وَمَا يَعْزُجُ فِيهَا» اشاره به برخی اعمال ناپسند انسان‌ها باشد که خبر آن به آسمان‌ها راه می‌یابد، و از این جهت اسم غفور در ذیل آیه آمده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً توجه به تفاوت «تفسیر باطنی» و «تفسیر متعارف» حائز اهمیت است؛ زیرا در تفسیر متعارف اموری چون محتوای آیات، مناسبت‌های لغوی، شأن نزول و قرائن و شواهد موجود در آیه و دیگر آیات بررسی می‌شوند. اما در تفسیر باطنی که از شئون معصومین علیهم‌السلام است، گاه هیچ قرینه ظاهری از آیات وجود ندارد. به طور مثال در تفسیر آیه هفتم سوره الرحمن «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که منظور از آسمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و منظور از میزان علی بن ابیطالب علیه‌السلام است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۱۸۸)

درحالی که در آیات هیچ قرینه ظاهری‌ای برای این نظر دیده نمی‌شود. اما معصومین علیهم‌السلام به جهت اتصال به علم نامحدود الهی، منظور خدا از آیات را بهتر می‌دانند. اما غیر معصومین علیهم‌السلام به دلیل عدم دسترسی چنین علمی، باید به اصول متعارف تفسیر مانند توجه به شواهد و قرائن بسنده کنند.

برای احتمال موجود در این شبهه نیز، هیچ شاهد یا قرینه‌ای در متن آیه و آیات مربوط به آن یافت نمی‌شود. برخلاف آیات غفور رحیم که از عمل یا اعمالی در آنها یاد شد که نیازمند مغفرت‌اند.

ثانیاً؛ قرینه موجود در آیه خلاف این احتمال است؛ چراکه اگر منظور از مای موصوله در

عبارت «وَمَا يَعْزُجُ فِيهَا» اعمال انسان‌ها باشد، معنای مزبور اعم از اعمال پسندیده و ناپسند بوده، اختصاص آنها به اعمال ناپسند بی دلیل است.

ثالثاً؛ در آیات غفور رحیم، برای غفران عمل ناپسند، شرایطی چون توبه، اصلاح و استغفار در نظر گرفته شده است، درحالی که در این آیه هیچ شرطی برای مغفرت اعمال ناپسند بیان نشده است.

بررسی تفاسیر

تفسیر *المیزان* که بزرگ‌ترین مروج روش تفسیری قرآن به قرآن است، در ۳۰ مورد از ۷۱ آیه‌ای که به «غفور رحیم» ختم می‌شوند، هیچ تفسیری از این اسمای متوالیه ارائه نداده است و از میان ۴۱ مورد باقی مانده در ۵ مورد ارتباط این اسماء با متن آیه را بیان ننمود و فقط در ۳۶ مورد (تقریباً ۵۰٪) به بیان ارتباط آن پرداخته است که نشانگر میزان توجه علامه طباطبایی به تفسیر آیات غفور رحیم و ارتباط آنها با متن آیات است. باین حال، میزان توجه وی به موضوع، از برخی تفاسیر بیشتر است.

سایر تفاسیر نیز توجه مختلفی به این مطلب داشته‌اند. به‌طور مثال: طبرسی در *مجمع البیان* از میان ۷۱ آیه مزبور، در ۱۷ مورد اسمای متوالیه «الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» را تفسیر نکرده و در ۲۷ مورد تفسیری بی‌ارتباط با متن آیه ارائه داده است؛ بدین معنا که در بیشتر موارد غفور را به معنای ستر گناهان و رحیم را به معنای بخشش نعمت‌ها به مؤمنین دانسته و در ۲۴ مورد باقی مانده نیز غالباً ارتباط ضعیفی بین دو اسم مزبور و متن آیه برقرار کرده است.

نکته درخور توجه اینکه در تفاوت آیات غفور رحیم و الرحیم الغفور و وجه جامع آیات به بیش از ۱۴۰ تفسیر مشهور مراجعه شد که متأسفانه هیچ پرسشی در این موارد مطرح نشده تا در پی پاسخ آن برآیند.

از موارد درخور توجه در عملکرد تفاسیر اینکه در مواردی که گناه یا گناهانی در متن آیه مورد نظر بوده است، تفسیر اسم «غفور» در آخر آیه به معنای بخشنده یا پوشاننده، امری طبیعی و معمول در تفاسیر مختلف است. اما در مواردی چون آیه ۱۷۳ سوره بقره که خوردن

گوشت مرده یا خون به سبب اضطرار بوده و به تصریح قرآن اساساً گناهی اتفاق نیفتاده است (فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) باز در تفسیر عبارت «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» بیان شده است که خداوند گناهان مؤمنین را می‌بخشد. این تفسیر موجب عدم تناسب درج این اسماء با محتوای آیه می‌شود؛ زیرا می‌توان پرسید: «کدام گناه؟ اکل میته یا خون در حال اضطرار که گناه نیست. خود قرآن هم فرموده: «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ.» و اگر هم گفته شود: «شاید گناهان دیگری مورد نظر است که در این آیه مطرح نمی‌باشد.» در این صورت تناسب درج این اسما با محتوای آیه از بین می‌رود. به‌هرحال، برخی از این تفاسیر که این نقد بر آنها وارد است، عبارت‌اند از: *إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن*؛ (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۳۱) *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. (ابن عاشور، ۱۹۹۷: ۱ / ۳۵۳)

برخی از تفاسیر نیز برداشت تناقض‌آمیز و درعین‌حال معتدل‌تری از این آیه داشته‌اند. به‌این‌صورت که از سویی طبق این آیه، خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک در حین اضطرار را گناه نمی‌دانند، و از سوی دیگر می‌گویند که خداوند این کار را می‌بخشد یا بخشیده است و در تفاسیر عربی از عبارت «غفر» یا «یغفر» برای آن استفاده کرده‌اند. درحالی‌که این انتقاد به ایشان وارد است که اگر این کار گناه نیست (فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ)، پس با سایر امور مجاز فرقی ندارد و بخشیدن آن بی‌معناست و اساساً این قول از خداوند که: «انجام فلان کار در فلان شرایط اصلاً گناه نیست و اگر کسی چنین کند، من او را می‌بخشم.»، شایسته نیست. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از: *تفسیر کوثر* (جعفری، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۳۱)، *تفسیر المراعی* (مراغی، ۱۹۸۵: ۲ / ۴۹)، *التفسیر المظهری*. (مظهري، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۷۱)

در برخی تفاسیر همچون: *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۶۸)، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید* (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۹۸) این نظر ابراز شده است که خداوند گناهان بشر را می‌بخشد، پس به طریق اولی از مؤاخذه آنچه گناه نیست نیز در می‌گذرد. روشن است که اعلان گناه نبودن فعلی از سوی خداوند و سپس منت گذاردن بر مردم مبنی بر مؤاخذه نشدن در صورت اجرای آن، شایسته خداوند نیست.

برخی از تفاسیر نیز با وجود توجه به این مشکل، به دلیل عدم توفیق در ارائه راه‌حلی برای آن، ناچار ابراز داشته‌اند که شاید منظور این باشد که کسی ممکن است در حال اضطرار، نتواند حد ضرورت را نگاه دارد و بیش از مقدار لازم اقدام به خوردن نماید که خداوند این مقدار زاید را می‌بخشد. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از: *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* (موسوی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۷۱) و *تفسیر سورآبادی*. (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۵۱)

در *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۵۲) هم این نظر ابراز شده است که شاید غفران الهی نسبت به مواردی باشد که در دوران جاهلیت و قبل از اسلام با پیروی از شیطان، حدود الهی در خوردنی‌ها مراعات نشده است.

تفسیر سنی التحریر والتنویر نیز مغفرت را به معنای گذشت از چیزی که ممکن است مورد مؤاخذه قرار گیرد بیان شده است، نه به معنای گذشت از گناه و مانند آن. (ابن عاشور، ۱۹۹۷: ۲ / ۱۲۱)

در پاسخ باید گفت، آنچه خداوند می‌فرماید: «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» چگونه ممکن است آن را مورد مؤاخذه قرار داد؟

و البته چندین احتمال نادرست دیگر در تفاسیر مختلف در تفسیر آیه مورد نظر بیان شده که نقل آن فایده چندانی ندارد، منشأ همه احتمالات و شایدهای مزبور عدم استفاده از روش صحیح در تفسیر آیات است. لکن خوشبختانه در *تفسیر اثنا عشری* مطلبی آمده است که تقریباً با آنچه با روش تفسیری قرآن به قرآن استنباط شد، مطابقت دارد:

از لفظ «غفور» می‌شود استفاده کرد که خدا در صورت اضطرار اثرات ناگوار آنها را از بین برده و مستور خواهد کرد، چون در اینجا گناهی نیست تا بخشوده شود لفظ «رحیم» حکایت دارد که این اجازه در اثر مهربان بودن خداست. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۱۹)

خلاصه و نتیجه

۱. آنچه می‌توان به عنوان وجه جامع و هدف هدایتی مشترک در تمام آیات «غفور رحیم»

بیان کرد، «رفع نگرانی از آثار ذنب» است. که این معنا گاه در کنار اهداف هدایتی چون موارد زیر است:

الف) هشدار به عواقب باقی ماندن در گناه؛

ب) تشویق به توبه و ترک گناه؛

ج) تحسین ترک کنندگان گناه؛

د) تشویق به ثبات در راه حق.

۲. مفهوم «ذنب» در این معنای مشترک اعم از گناه بوده، طبق معنای لغوی شامل هر کاری می‌شود که ممکن است پی‌آمد ناگواری داشته باشد. از این رو، آیات مزبور را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: آیاتی که در آنها سخن از گناه است و آیاتی که در آنها سخن از افعالی است که اگرچه گناه نیستند، ممکن است آثار ناگواری داشته باشند. خداوند به مناسبت اسم «الغفور» خود، آثار ناگوار هر دو دسته را مشروط به شرایط خود بی‌اثر می‌سازد.

۳. مغفرت خداوند دارای طیف وسیعی است که از بزرگ‌ترین گناهان تا اموری که اصلاً گناه محسوب نمی‌شود را فرا می‌گیرد. شاید این فهم جدیدی از عبارت قرآنی «ان ربک واسع المغفره» باشد.

۴. در آیه دوم سوره سبأ که تنها موردی است که ترکیب اسمایی «رحیم غفور» به کار گرفته شده است، برخلاف تمام ۶۴ آیه «غفور رحیم»، سخن از گناه یا «رفع نگرانی از آثار ذنب» نیست.

۵. دقت در معنای این آیه منحصر به فرد می‌رساند که آنچه بنا بر معنای مغفرت، مورد ستر و پوشش قرار می‌گیرد، گناه یا هر کاری از سوی انسان‌ها که پیامد بدی برای ایشان داشته باشد نیست. بلکه آنچه مورد پوشش قرار می‌گیرد، همان اموری است که در زمین فرود می‌رود، مانند آب‌هایی که در زمین فرو می‌روند، و اموری که در آسمان عروج می‌یابند و بدین ترتیب از دیدگان مردم پوشیده می‌شوند.

۶. هیچ تفسیری درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش که «آیات غفور رحیم چه تفاوتی با تنها آیه رحیم غفور دارد؟» برنیامده است.

۷. عدم پیروی از روشی صحیح (روش تفسیری قرآن به قرآن)، و عدم توجه دقیق به معنای لغوی اسمای الهی، موجب اختلاف تفاسیر و بیان احتمالات گوناگون در تفسیر آیات و پاسخ به سؤالات پیش آمده می‌شود. نمونه آن اختلاف تفاسیر در پاسخ به این پرسش است که با توجه به اینکه خداوند در آیه ۱۷۳ سوره بقره اکل میتة یا خون را به سبب اضطراب گناه ندانسته است «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» تا مورد بخشایش قرار دهد، بنا بر عبارت «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در پایان این آیه خداوند چه چیزی را مورد مغفرت قرار می‌دهد؟

ضمیمه

جدول آیات غفور رحیم به ترتیب نزول سور

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۱	المزمل / ۲۰	مکی ۳	پیامبر ﷺ و گروهی از مؤمنین که با او هستند	تصریح نشده
۲	الأعراف / ۱۵۳	مکی ۳۹	عموم مؤمنین	کارهای بد
۳	الأعراف / ۱۶۷	مکی ۳۹	یهودیان	صید ماهی در روز شنبه برای یهودیان
۴	الفرقان / ۶	مکی ۴۲	کافرانی که قرآن را اساطیر پیشینیان دانسته که پیامبر ﷺ به دست خود نوشته است.	انتساب قرآن به خود پیامبر ﷺ
۵	الفرقان / ۷۰	مکی ۴۲	قاتلین و زناکاران	قتل و زنا
۶	النمل / ۱۱	مکی ۴۸	غیر معصومین	گناه و بدکاری
۷	القصص / ۱۶	مکی ۴۹	موسی ﷺ	ظلم به خویشان
۸	یونس / ۱۰۷	مکی ۵۱	هرکس از بندگان خداوند	تصریح نشده
۹	هود / ۴۱	مکی ۵۲	ایمان آوردگان به نوح ﷺ	کفر و گناهان سابق بر ایمان
۱۰	یوسف / ۵۳	مکی ۵۳	حضرت یوسف ﷺ یا زلیخا به اختلاف مفسران	کار بد
۱۱	یوسف / ۹۸	مکی ۵۳	برادران یوسف	ظلم برادران یوسف به برادر و پدر
۱۲	الحجر / ۴۹	مکی ۵۴	بندگان خداوند	تصریح نشده
۱۳	الأنعام / ۱۶۵	مکی ۵۵	عموم مؤمنین	تصریح نشده
۱۴	الأنعام / ۵۴	مکی ۵۵	ایمان آوردگان به آیات خداوند	کار بد

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۱۵	الأنعام / ۱۴۵	مکی ۵۵	عموم مسلمین	خوردن گوشت مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است یا حیوانی که در کشتنش مرتکب نافرمانی شوند و جز با گفتن نام الله ذبحش کنند
۱۶	الزمر / ۵۳	مکی ۵۹	بندگان خدا که بر زبان خویش اسراف کرده‌اید	تمام گناهان
۱۷	فصلت / ۳۲	مکی ۶۱	آنان که گفتند: پروردگار ما الله است و پایداری ورزیدند	تصریح نشده
۱۸	الشوری / ۵	مکی ۶۲	ساکنان زمین	تصریح نشده
۱۹	الأحقاف / ۸	مکی ۶۶	کافران	تکذیب انتساب قرآن به خداوند
۲۰	النحل / ۱۸	مکی ۷۰	عموم مؤمنین	تصریح نشده
۲۱	النحل / ۱۱۰	مکی ۷۰	هجرت‌کنندگان	کفر و گناهان سابق بر ایمان
۲۲	النحل / ۱۱۵	مکی ۷۰	عموم مسلمانان	خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هرچه جز به نام خدا ذبح شده باشد.
۲۳	النحل / ۱۱۹	مکی ۷۰	توبه‌کنندگان از گناهان	بدکاری از روی نادانی
۲۴	إبراهیم / ۳۶	مکی ۷۲	نافرمانی‌کنندگان از دعوت ابراهیم <small>علیه السلام</small> به ایمان آوردن	نافرمانی از حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> و باقی ماندن در کفر و گمراهی
۲۵	البقره / ۱۷۳	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک و آنچه به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند
۲۶	البقره / ۱۸۲	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	دگرگون ساختن وصیت میت
۲۷	البقره / ۱۹۲	مدنی ۸۷	کافران و مشرکان سابق	کفر و جنگ با مسلمانان
۲۸	البقره / ۱۹۹	مدنی ۸۷	حجاج مسلمان	بازگشتن حجاج از مسیر مشرکان
۲۹	البقره / ۲۱۸	مدنی ۸۷	کسانی که ایمان آورده‌اند و آنان که مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند،	جنگ علیه کافران در ماه‌های حرام
۳۰	البقره / ۲۲۶	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	حرام شرعی (ایلاء)
۳۱	الأنفال / ۶۹	مدنی ۸۸	عموم مسلمین	نیت غیر الهی در انجام عمل صالح (جهاد)

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۳۲	الأنفال / ۷۰	مدنی ۸۸	اسیران مشرک	کفر و شرک سابق
۳۳	آل عمران / ۳۱	مدنی ۸۹	عموم مسلمین	گناهان (به‌طور کلی)
۳۴	آل عمران / ۸۹	مدنی ۸۹	قومی که نخست ایمان آوردند و به حقانیت رسول شهادت دادند و دلایل و آیات روشن را مشاهده کردند، سپس کافر شدند	ارتداد
۳۵	آل عمران / ۱۲۹	مدنی ۸۹	عموم مسلمین	گناهان (به‌طور کلی)
۳۶	الأحزاب / ۵	مدنی ۹۰	عموم مسلمین	زن خود را مادر خود خواندن، فرزند خوانده را فرزند خود خواندن
۳۷	الأحزاب / ۲۴	مدنی ۹۰	منافقان	نفاق
۳۸	الأحزاب / ۵۰	مدنی ۹۰	پیامبر اکرم ﷺ	احکام خاص ازدواج برای پیامبر ﷺ با کسانی که ازدواج با آنها برای دیگران گناه و زنا محسوب می‌شود.
۳۹	الأحزاب / ۵۹	مدنی ۹۰	زنان و دختران مؤمن	بی‌حجابی
۴۰	الأحزاب / ۷۳	مدنی ۹۰	مردان مؤمن و زنان مؤمن	تصریح نشده
۴۱	المتحنه / ۷	مدنی ۹۱	کافران و مشرکانی که با مسلمانان می‌جنگند	جنگ با مسلمانان
۴۲	المتحنه / ۱۲	مدنی ۹۱	زنان مؤمن	شرک، سرقت، زنا، کشتن فرزندان، و اینکه زن‌ها فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به دروغ به او نسبت ندهند
۴۳	النساء / ۲۳	مدنی ۹۲	عموم مسلمین	ازدواج با دوخواهر به‌طور همزمان در گذشته
۴۴	النساء / ۲۵	مدنی ۹۲	عموم مسلمین	گناه (زنا)
۴۵	النساء / ۹۶	مدنی ۹۲	کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند	تصریح نشده
۴۶	النساء / ۱۰۰	مدنی ۹۲	هر کس که از خانه خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد	تصریح نشده

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۴۷	النساء / ۱۰۶	مدنی ۹۲	پیامبر اکرم ﷺ به عنوان یک قاضی	حکم به محکومیت متهم بیگناهی که در ظاهر تمام شواهد علیه اوست
۴۸	النساء / ۱۱۰	مدنی ۹۲	هر انسان	هر کار بد یا ظلم به خویشتن
۴۹	النساء / ۱۲۹	مدنی ۹۲	عموم مسلمانان	رعایت نکردن عدالت بین زنان (همسران) متعدد یک فرد
۵۰	النساء / ۱۵۲	مدنی ۹۲	کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند و میان پیامبرانش جدایی نیافکنده‌اند	جدایی افکندن میان پیامبران
۵۱	الحديد / ۲۸	مدنی ۹۴	کسانی که ایمان آورده‌اند	تصریح نشده (مطلق گناهان)
۵۲	النور / ۵	مدنی ۱۰۳	کسانی را که زنان عقیف را به زنا متهم می‌کنند و چهار شاهد نمی‌آورند	اتهام به زنا بدون آوردن چهار شاهد
۵۳	النور / ۲۲	مدنی ۱۰۳	توانگران و آنان که گشایشی در کار آنهاست	سوگند خوردن به اینکه به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند
۵۴	النور / ۳۳	مدنی ۱۰۳	مسلمانان مالک کنیزان	زنا کردن کنیزان به اجبار مالکان آنها جهت کسب درآمد برای مالکان
۵۵	النور / ۶۲	مدنی ۱۰۳	مؤمنان	اجازه خواستن برای ترک جهاد جهت انجام کارهای شخصی (ترجیح دادن مصالح شخصی بر مصلحت اسلام و مسلمین)
۵۶	المجادلة / ۱۲	مدنی ۱۰۶	کسانی که ایمان آورده‌اند	صدقه ندادن قبل از نجوا با پیامبر ﷺ
۵۷	الحجرات / ۵	مدنی ۱۰۷	بی‌خردانی که از آن سوی حجره‌ها پیامبر خدا ﷺ را ندا می‌دهند	صدا زدن پیامبر ﷺ از آن سوی حجره‌ها (بی‌احترامی به پیامبر ﷺ)
۵۸	الحجرات / ۱۴	مدنی ۱۰۷	اعراب بادیه نشین	منت گذاشتن بر پیامبر ﷺ برای اسلام آوردن خود
۵۹	التحریم / ۱	مدنی ۱۰۸	همسران پیامبر ﷺ	توطئه علیه پیامبر ﷺ
۶۰	التغابن / ۱۴	مدنی ۱۱۰	مؤمنین و ازواج و اولادشان،	گناهان گذشته مؤمنین - دشمنی با همسران و پدران مؤمن
۶۱	المائدة / ۳	مدنی ۱۱۳	عموم مسلمین	خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
				کشتنش نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا درافتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند.
۶۲	المائدة / ۳۴	مدنی ۱۱۳	کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند،	جنگ با خدا و پیامبرش و فساد
۶۳	المائدة / ۳۹	مدنی ۱۱۳	مرد دزد و زن دزد	سرقت
۶۴	المائدة / ۷۴	مدنی ۱۱۳	مسیحیان	کفر و اعتقاد به تثلیث
۶۵	المائدة / ۹۸	مدنی ۱۱۳	حجاج	شکار کردن در حالت احرام
۶۶	الفتح: ۱۴	مدنی ۱۱۲	هر که را خدا بخواهد	تصریح نشده
۶۷	التوبة / ۵	مدنی ۱۱۴	مشرکان	شرک
۶۸	التوبة / ۲۷	مدنی ۱۱۴	عموم مسلمین	فرار از جهاد
۶۹	التوبة / ۹۱	مدنی ۱۱۴	ناتوانان و بیماران و آنان که هزینة خویش نمی‌یابند،	شرکت نکردن در جهاد
۷۰	التوبة / ۹۹	مدنی ۱۱۴	عرب‌های بادیه نشین	اعتقادات باطل گذشته و گناهان
۷۱	التوبة / ۱۰۲	مدنی ۱۱۴	عرب‌های بادیه نشین منافق و منافقان	نفاق

منابع و مأخذ

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۹۹۷م، *تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید و تفسیر الكتاب المجید (التحریر و التنویر)*، تونس، دار سحنون للنشر والتوزیع.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چ سوم.
۳. الازهری، ابو منصور محمد بن احمد، ۲۰۰۱ م، *تهذیب اللغة*، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، *تفسیر کوثر*، قم، هجرت.
۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.

تفسیر «الغفور الرحیم» و تحلیل غرض هدایتی آنها □ ۳۳

۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم.
۸. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۱۹ ق، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف.
۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۰۶ ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چ اول.
۱۰. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، تفسیر سورآبادی، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغ، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
۱۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۱۴. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.
۱۵. طنطاوی، محمد سید، ۱۹۹۷ م، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر، دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت، چ دوم.

۱۷. مراغی، احمد بن مصطفی، ۱۹۸۵ م، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
۱۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. مظہری، محمد ثناء اللہ، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظہری*، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبہ رشدیہ.
۲۰. معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۸، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسہ انتشاراتی التمهید.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونہ*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ ق، *مواہب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسہ اهل البيت علیہم السلام، چ دوم.